

بحران دولت در لیبی و امنیت اروپا

رشید رکابیان^۱، مهدی محمدنیا^۲، مهردادعله پور^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۲۹

چکیده

از زمان سرنگونی قذافی، هیچ دولتی تاکنون نتوانسته است با اقتدار، حاکمیت واحدی را در لیبی ایجاد کند. لذا امروزه، لیبی دارای دو دولت مستقل است؛ «دولت وحدت ملی» که توسط سازمان ملل پشتیبانی می‌شود و «دولت موقت» که توسط پارلمان طبرق حامی ژنرال «خلیفه حفتر» در شهر البیضا در شرق این کشور تشکیل شده است. در فضای پساقذافی امید می‌رفت که حکومت جدید بتواند لیبی را به سمت مردم‌سالاری هدایت کند؛ اما در مقام عمل، تقسیم حاکمیت و تعارضات شدید سیاسی میان مدعیان قدرت، بحران اقتدار و ناامنی‌های ناشی از خشونت کنشگران قبیله‌ای و نیروهای سلفی، سبب شده است تا دولت پساقذافی عملاً حائز عنوان دولت ورشکسته شود. امروزه، با شدت گرفتن درگیری‌های میدانی میان گروه‌های مختلف سیاسی از جمله بین خلیفه حفتر و دولت وفاق ملی در طرابلس، امکان دولت‌سازی در این کشور، در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است. پرسش اصلی مقاله این است: بحران دولت در شرایط سیاسی نوین لیبی چه تأثیری بر امنیت کشورهای اروپایی دارد؟ فرضیه مقاله این است که گسترش جنگ داخلی و هرج و مرج در دوران پساقذافی، موجب شده است تا لیبی به‌عنوان یک دولت ورشکسته، به پایگاهی برای مهاجرت گروه‌های تروریستی و قاچاق انسان به اروپا تبدیل شود.

واژگان کلیدی: مهاجرت، لیبی، امنیت، اتحادیه اروپا، تروریسم بین‌الملل

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی، دانشگاه آیت ... العظمی بروجردی، بروجرد، ایران (نویسنده مسئول).

ra.recabian@gmail.com

^۲ عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی، دانشگاه آیت ... العظمی بروجردی، بروجرد، ایران.

^۳ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

مقدمه

امروزه، موضوع مهاجرت از کشورهای بحران‌زده به کشورهای اروپایی، یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی است که تصمیم‌گیرندگان اتحادیه اروپایی با آن مواجه هستند. برخلاف گذشته، موضوع مهاجرت در کشورهای اروپایی، از یک چالش اقتصادی - اجتماعی به یک چالش سیاسی - امنیتی تبدیل شده است.

در این میان کشورهای بحران‌زده و شکست‌خورده از بیشترین پتانسیل برای چالش آفرینی به‌ویژه برای همسایگان منطقه‌ای خود برخوردارند. ناکارآمدی و ناشایستگی دولت ورشکسته پیامدهای امنیتی مختلفی همچون مشکلات امنیت مرزی و تشدید جریان پناهندگی، مهاجرت اقتصادی، فعالیت شبکه‌های تروریستی، قاچاق مواد مخدر و اسلحه به بار می‌آورد. این وضعیت باعث فروریختن ساختارهای مختلف اقتدار، قدرت، قوانین و نظم سیاسی می‌شود. نتیجه این وضعیت، شکل‌گیری خلأ سیاسی در کشور است. این خلأ سیاسی که پس از شکست دولت رخ می‌دهد، بازیگران غیردولتی را تشویق می‌کند تا نقش‌های مختلف دولت را پر کنند، اما هیچ‌یک به‌تنهایی قادر به ایفای کارکرد دولت نیستند (احمدیان و نوری اصل، ۱۳۹۴: ۹۶).

بعد از سقوط قذافی در لیبی، نه‌تنها شرایط داخلی آن بهبود چشمگیری پیدا نکرد، بلکه این کشور با چالش‌های متعدد سیاسی - امنیتی روبه‌رو شد که نتیجه شکل‌گیری خلأ قدرت در این کشور بود. وجود خلأ قدرت، مأمور امنی را برای تروریست‌ها و گروه‌های سلفی - تکفیری، برای سازمان‌دهی مجدد در این کشور فراهم نموده است؛ گروه‌هایی که در داخل مانع ایجاد هرگونه مردم‌سالاری نهادمند هستند و در خارج، زمینه‌ساز چالش‌های امنیتی جدی به‌ویژه در مناطق پیرامونی هستند. یکی از مهم‌ترین چالش‌های امنیتی برای کشورهای اروپایی، احتمال نفوذ این گروه‌ها، به‌ویژه داعش به داخل اروپا از طریق مرزهای لیبی است.

در اوایل ۲۰۱۶ مقامات ایالات متحده پیش‌بینی کردند که داعش در لیبی در حال رشد است؛ به‌گونه‌ای که تخمین زده می‌شود بیش از ۶۰۰۰ جنگ‌جو در سراسر کشور از میان گروه‌های سلفی - جهادی و شبه‌نظامیان اسلام‌گرا به این گروه پیوسته‌اند (Blanchard, October 2, 2017: 13). در مارس ۲۰۱۷، فرمانده کل آفریقایی ایالات متحده، والدهوس، اظهار داشت نیروهای داعش در لیبی پراکنده هستند و تلاش می‌کنند مجدداً سازمان‌دهی شوند (Waldhauer, March 9, 2017).

کشمکش میان این بازیگران سیاسی و عدم توانایی هر گروه برای تسلط بر دیگری و ایجاد حاکمیت مطلق در لیبی، زمینه‌ساز شکل‌گیری بحران دولت در این کشور بوده است. این فضای خلأ قدرت، مهم‌ترین بستر را برای ظهور گسترش، آموزش و سازمان‌دهی گروه‌های تروریستی فراهم کرده است که می‌تواند پتانسیل نامنی در کشورهای پیرامونی و منطقه اروپا را به‌طور جدی افزایش دهد.

دولت لیبی را می‌توان امروزه یک دولت ورشکسته یا دولت ناتوان نامید که فاقد اقتدار لازم برای مهار گروه‌های سلفی - تکفیری در چارچوب مرزهای خود است. بی‌ثباتی سیاسی، فقدان امنیت و اقتدار مرکزی قدرتمند، لیبی را بعد از

عراق و سوریه به سومین پناهگاه امن برای گروه‌های تکفیری تبدیل کرده است. تهدید گروه‌های تروریستی در لیبی محدود به این کشور نخواهد شد، بلکه می‌تواند منبعی برای تغذیه گروه‌های تروریستی در سایر کشورهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای از جمله عراق، سوریه و لبنان و کشورهای اروپایی باشد. بسیاری از کسانی که در اروپا دست به عملیات تروریستی زدند کسانی بودند که تحت تأثیر داعش بوده‌اند و پیش از عملیات تروریستی در لیبی، عراق و سوریه آموزش دیده بودند.

هرچند داعش آخرین پایگاه سرزمینی خود در لیبی یعنی شهر سرت را در عملیاتی از سوی نیروهای دولتی در سال ۲۰۱۶ از دست داد، اما حملات مکرر این گروه تروریستی در لیبی همچون حمله به «بوابه کعام» در غرب لیبی (۲۶ آگوست ۲۰۱۸)، حمله به ساختمان مرکزی شرکت ملی نفت لیبی واقع در طرابلس (۱۲ سپتامبر ۲۰۱۸)، حمله مهاجمان انتحاری داعش به دفتر کمیته مرکزی انتخابات (دوم مه ۲۰۱۸)، حمله به ساختمان وزارت امور خارجه (مارس ۲۰۱۸) و حمله به الفقها در جنوب شرقی طرابلس (آوریل ۲۰۱۹)، نشان از حضور فعال این گروه تروریستی در بیابان‌های این کشور می‌دهد. اخبار تأیید نشده از فرار ابوبکر بغدادی به لیبی بعد از شکست در سوریه، خطر این کشور را به‌عنوان کانون بعدی تمرکز تروریست‌ها، برای اتحادیه اروپا دوچندان می‌کند.

پرسش اصلی مقاله این است که «بحران دولت در شرایط سیاسی نوین لیبی چه تأثیری بر امنیت کشورهای اروپایی دارد؟» فرضیه مقاله این است که «گسترش جنگ داخلی و هرج و مرج در دوران پساقذافی، موجب شده است تا لیبی به عنوان یک دولت ورشکسته، به پایگاهی برای مهاجرت گروه‌های تروریستی و قاچاق انسان به اروپا تبدیل شود».

دولت ورشکسته، یک چارچوب مفهومی

اصطلاح «دولت ورشکسته» به‌عنوان خطر جدی برای جامعه بین‌المللی، پس از رویدادهای ۱۱ سپتامبر به‌گونه‌ای چشمگیر به گفتارها و نوشتارهای حوزه امنیت بین‌الملل راه یافت. قدرت‌های بزرگ و در رأس آن‌ها ایالات متحده، با توصیف برخی از دولت‌ها در آسیای غربی به‌عنوان دولت ورشکسته و دولت سرکش، سمت‌وسوی تازه‌ای به‌نظام امنیت بین‌المللی دادند. نکته قابل‌تأمل در خصوص دولت ورشکسته و دولت سرکش، آن است که نوع دولت مورد اشاره تنها مربوط به دوران کنونی نیست و از هنگام برپا شدن سازمانی به نام دولت در سده شانزدهم میلادی، جامعه بین‌الملل همواره شاهد دولتهایی خطرناک از این دست بوده است. آنچه موجب شده است که طی سالیان اخیر این مفهوم پررنگ‌تر از گذشته در جستارهای امنیتی خودنمایی کند، دگردیسی‌های ژرف پدیدار شده در محیط امنیت بین‌المللی در فضای پساجنگ سرد بوده است (موسوی‌نیا، ۱۳۹۰: ۲۳).

به‌طورکلی، مهم‌ترین شاخصه‌هایی که باید در خصوص دولت‌های ورشکسته مورد بررسی قرار گیرند، به شرح ذیل هستند.

۱. بحران ثبات و امنیت داخلی

مهم‌ترین کلای سیاسی که هر دولتی باید آن را به شهروندان خود ارائه کند، امنیت است. بقا یا امنیت به‌عنوان یکی از ژرف‌ترین مفاهیم حوزه روابط بین‌الملل، در چارچوب نظریه واقع‌گرایی، مهم‌ترین وظیفه دولت هست که اساساً دولت

برای تحقق آن به وجود آمده است (بیلیس، ۱۳۸۸: ۱۴۴). در واقع توسعه نهادهای امنیتی کارآمد و مشروع برای تداوم دیگر بخش‌ها در هر جامعه‌ای ضرورتی اساسی دارد. دولت‌های ورشکسته در زمینه تأمین امنیت، ناکارآمد هستند؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از آن‌ها درگیر پدیده تجزیه‌طلبی هستند (یزدانی و قاسمی، ۱۳۹۵: ۷۱).

۲. بحران مشروعیت

به‌طور کلی مشروعیت، موتور محرک دولت برای استمرار و بقای آن است. برخی معتقدند که مشروعیت به معنی قانونی بودن یا طبق قانون بودن است. از طرفی دیگر برخی معتقدند که مشروعیت نه صرفاً به قانونی بودن دولت از نظر حقوق، بلکه به پذیرش اجتماعی آن از جانب شهروندان مربوط می‌شود (بشیریه، ۱۳۹۵: ۴۲)؛ بنابراین می‌توان به دو نوع نگرش اصلی به مقوله مشروعیت توجه داشت: فلسفی و جامعه‌شناختی. از بُعد فلسفی حاکمیت ارزش‌های اساسی و بنیادین در رویکرد جامعه‌شناختی، تمرکز بر وفاداری و اطاعت‌پذیری شهروندان از حاکمیت، به‌عنوان اصول کلیدی مشروعیت تلقی می‌شود. آنچه باید بدان اشاره کرد کاهش سطح مشروعیت دولت شکننده نزد شهروندان آن است. در واقع کاهش مشروعیت این نوع دولت‌ها، معلول و پیامد حالتی است که دولت شکننده در آن قادر به اجرای وظایف اولیه خود در برابر شهروندانش نیست (یزدان‌فام، ۱۳۹۰: ۴۷ - ۴۶).

۳. بحران کارکردی

دولت‌های ورشکسته دولتهایی هستند که ظرفیت‌های مثبت خود را در ارائه خدمات از دست داده‌اند و ظرفیت تهدید آفرینی بالایی هم برای مردم خود و هم برای کشورهای دیگر دارند (Reily, 2008: 7). در دولت‌های ورشکسته، جامعه مدنی و گروه‌های نفوذ حول ارزش‌های اکتسابی شکل نمی‌گیرند؛ بلکه بر مبنای ارزش‌های انتسابی هستند. فرد از بدو تولد خود را عضو گروه قومی یا قبیله‌ای خاص می‌داند. در این کشورها کثرت‌گرایی فرهنگی بر کثرت‌گرایی اجتماعی غلبه دارد و حاصل این کثرت‌گرایی، شکاف‌های تعارض‌آمیزی است که مانع اصلاحات مسالمت‌آمیز می‌شوند و نخبگان فرهنگی حاکم، هیچ‌گونه چالشی را با موقعیت قدرت بر نمی‌تابند و از آنجایی که سیاست عمومی در جهت تأمین منافع قومیت یا قبیله خاصی است، لذا، انتظار تحولات چندانی از این دولت‌ها نمی‌رود. احزاب و گروه‌های نفوذ در این کشورها برای منافع قومیت یا منطقه‌ای خاص فعالیت می‌کنند و در نتیجه ظرفیت تجزیه‌طلبی در این دولت‌ها بسیار زیاد است (یزدانی و قاسمی، ۱۳۹۵: ۷۱).

۴. بحران اقتصادی

بانک جهانی، معیار دیگری برای تشخیص دولت‌های ورشکسته معرفی می‌کند که بی‌ثباتی اقتصادی است. این نهاد به چنین کشورهایی، برچسب «کشورهای کم‌درآمد تحت فشار» می‌زند. به سبب بدتر شدن فقر در این کشورها، بانک جهانی آن‌ها را در جایگاهی قرار می‌دهد که خطر شبکه‌های تروریستی، افزایش منازعات مسلحانه داخلی و شیوع یک بیماری واگیر در آن‌ها وجود دارد. دولت‌های ورشکسته بالاترین میزان نرخ بیکاری را دارند و فساد اقتصادی در چنین دولت‌هایی بالا است (یزدانی و قاسمی، ۱۳۹۵: ۷۵).

۵. بحران توزیع

بحران توزیع، پیامد دیگر ناکارآمدی اقتصادی دولت‌های ورشکسته است. در بحران توزیع، منابع مادر به‌طور برابر تقسیم نمی‌شوند. انباشت به‌طور کلی، بحران توزیع در سه حوزه محوری مسائل ایدئولوژیک، منابع فیزیکی و انسانی بروز می‌کند. ظهور پدیده «انقلاب انتظارات فزاینده» مبتنی بر عامل افزایش سریع تقاضاهای مادی مردم از حکومت و مسئولیت حکومت‌ها نسبت به سطح زندگی مردم از پیامدهای این بحران است. یکی از مهم‌ترین نتایج بحران توزیع، سرعت زیاد سیاسی شدن مطالبات و درخواست‌ها در میان گروه‌های کمتر بهره‌مند از امکانات است. این موضوع در جوامع چند قومی و فرقه‌ای به قطبی شدن فضای سیاسی و در ادامه به امنیتی شدن آن می‌انجامد (رضایی و تهامی، ۱۳۹۶: ۱۶۳). در واقع، شکننده بودن دولت به معنای آن است که نهادهای رسمی دولت جایگاه و مفید بودن خود را به عنوان مرکز تخصیص منابع و ثروت و اعمال قدرت مشروع از دست بدهند. در چنین شرایطی است که مردم قربانی وضعیت ناهنجار سیاسی در جامعه و ناکارآمدی دولت در انجام وظایف خود می‌شوند. یکی از مهم‌ترین نتایج بحران توزیع، گسترش کشمکش‌های خشونت‌آمیز و سازمان‌یافته است که امنیت افراد را به خطر انداخته و به تولید فقر و تنگدستی در جامعه کمک می‌کند (یزدان‌فام، ۱۳۸۸: ۱۲ - ۱۱).

۶. اشاعه تروریسم

به‌طور کلی دولت‌های ورشکسته با توجه به اینکه درگیر اقدامات تروریستی در محیط داخلی خود هستند و از سوی دیگر توان کنترل بر مرزهای خود را ندارند، زمینه گسترش تهدیدهای خود به کشورهای همسایه را فراهم می‌کنند؛ که این امر به‌نوبه خود به بی‌ثباتی منطقه‌ای می‌انجامد. لذا، دولت ورشکسته با توجه به این ویژگی، شرایط را برای مداخله خارجی فراهم می‌کند (Martin, 2012: 10 - 11).

نفوذ تروریست‌ها، قاچاق مواد مخدر، قاچاق اسلحه، قاچاق انسان و شیوع بیماری‌ها مهم‌ترین تهدیدهایی هستند که دولت‌های ورشکسته به کشورهای پیرامونی مطرح می‌کنند (Simons & Tucker, 2007: 387). مهم‌ترین نگرانی امنیتی در خصوص این دولت‌ها این است که این کشورها پناهگاه امنی برای فعالیت گروه‌های تروریستی و کمپ‌های آموزشی آن‌ها قرار بگیرند، زیرا این کشورها کنترل مناسبی بر سرزمین‌های خود ندارند. حضور فعال گروه‌های تروریستی در دولت‌های بحران‌زده‌ای چون افغانستان، عراق، سودان و لیبی می‌تواند شواهدی بر این مدعا باشد (Patrick, 2007: 652).

۷. تقسیم حاکمیت

شاید بتوان گفت مهم‌ترین نمود دولت‌های ورشکسته تقسیم حاکمیت است. در واقع، موضوع دولت‌های ورشکسته زمانی مطرح می‌شود که چالشگران محلی یا گروه‌های تروریستی بتوانند با توسعه سرزمینی، «شریک» در حاکمیت شوند. در دولت‌های ورشکسته دولت مرکزی، «انحصار» به‌کارگیری زور را از دست می‌دهد و یک رقابت خشونت‌آمیز تنگاتنگ میان مدعیان حکومت برای کسب قدرت شکل می‌گیرد. از آنجاکه هیچ‌یک از مدعیان قدرت توانایی برتری و حذف دیگری را ندارند، تداوم این وضعیت عمده‌تاً منجر به شکل‌گیری «حاکمیت دوگانه» می‌شود. موضوعی که لیبی

بعد از سقوط قذافی با آن دست‌به‌گریبان است و عملاً حاکمیت در این کشور به دو بخش شرقی در طبرق و غربی در طرابلس تقسیم شده است.

از نقش آفرینی ناتو تا مداخلات بین‌المللی

در مارس ۲۰۱۱، ناتو بر اساس قطعنامه ۱۹۷۳ سازمان ملل به لیبی حمله کرد. این قطعنامه به کشورهای عضو، مجوز می‌داد تا هرگونه اقدام ضروری را برای حمایت از شهروندانی که تحت حمله رژیم قذافی بودند، انجام دهند. البته این مجوز به منظور حمایت از شورشیان بنغازی بود که تحت حملات نیروهای قذافی قرار داشتند. علی‌رغم این مجوز محدود، این ائتلاف به نیت صریح کشتن قذافی، اهدافی فراتر از مجوز سازمان ملل را بمباران کرد. از زمان سقوط قذافی، وضعیت سیاسی لیبی بسیار پیچیده و بغرنج‌تر شده است. شبه‌نظامیانی که علیه قذافی می‌جنگیدند، اهداف و منافع متنوعی را بعد از قذافی دنبال کردند و هر گروهی کنترل شهرهای خاصی را در دست گرفت. نتیجه این وضعیت، چند پارگی حاکمیت این کشور بود که فضا را برای گسترش سازمان‌های جنایی و تروریسم مهیا کرد که خود مانعی جدی در برابر ایجاد یک دولت مرکزی قوی در این کشور بود. بخش عمده‌ای از این مشکلات متوجه ناتو است که فاقد یک برنامه منسجم برای آینده لیبی و دوران پساقذافی بود. در واقع، مهم‌ترین اشتباه ناتو در مداخله نظامی علیه لیبی، ناتوانی آن در کمک به این کشور جهت ایجاد ثبات در دوره پساجنگ بود. در این میان، رقابت بین جناح‌های مختلف درگیر، عده‌ای از بازیگران خارجی را نیز به مداخله در بحران سیاسی لیبی کشانده است و بحران داخلی این کشور را به یک جنگ نیابتی تبدیل کرده است (Mezran and Miller, 2017: 2). به‌طور کلی می‌توان گفت شرایط امروز لیبی انعکاسی از تقسیم‌بندی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی قدرت است. در این دسته‌بندی قدرت، قطر و ترکیه با حمایت از کنگره ملی سراسری و تا حدودی دولت وفاق ملی در یک گروه قرار دارند. مصر، امارات و عربستان با حمایت از مجلس نمایندگان طبرق و ژنرال حفتر در گروه دیگر قرار دارند. حتی ژنرال حفتر قبل از حمله به فرودگاه بین‌المللی لیبی در آوریل ۲۰۱۹، با مقامات مصر، امارات و عربستان سعودی از جمله شاه، ولیعهد و رئیس دستگاه اطلاعات سعودی (استخبارات) دیدار کرده است و چراغ سبز لازم را دریافت کرده بود. عربستان و امارات نقش اصلی را در تأمین تسلیحات ژنرال حفتر داشته‌اند. برخی محققین معتقدند این سه کشور عربی تلاش می‌کنند تا یک «عبدالفتاح السیسی» دیگر در لیبی به وجود آورند. بازیگران بین‌المللی نیز اعم از آمریکا و روسیه، فرانسه ایتالیا و انگلستان به‌طور رسمی از دولت وفاق ملی در طرابلس حمایت می‌کنند. هریک از این بازیگران، برای خود منفعی در تحولات سیاسی لیبی تعریف کرده‌اند و به دنبال این هستند که وضعیت سیاسی لیبی را در امتداد منافع خود هدایت کنند. در این میان، آنچه موجب نگرانی کشورهای اروپایی شده است، گسترش تروریسم، مهاجرت و پناهندگی از لیبی به سمت اروپا است.

لیبی و تقسیم حاکمیت در دوره پساقذافی

۱. این قطعنامه از وضعیت لیبی به عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی نام برد که به دولت‌های عضو مجوز استفاده از زور تحت فصل هفتم منشور سازمان ملل را اعطا می‌کرد.

امروزه، حاکمیت دوگانه به مهم‌ترین معضل کنونی لیبی تبدیل شده است. لیبی هم‌اکنون دارای دو دولت (در طبرق و طرابلس) و دو مجلس قانون‌گذاری (کنگره ملی سراسری و مجلس نمایندگان) است. ریشه این بحران را باید در تلاش گروه‌های درگیر برای کنترل قدرت جست‌وجو کرد که سناریوهای مختلفی را برای آینده لیبی در پیش پای می‌گذارد. این وضعیت بحرانی به این خاطر که هنوز هیچ گروه سیاسی نتوانسته است بر دیگری برتری یابد، به پایان نرسیده است. هنوز تداوم «دولت وحدت ملی» به خاطر ناتوانی در اعمال حاکمیت بر کشور و کنترل جناح‌های سیاسی با تردید همراه است. لیبی به گذشته حرکت می‌کند و هنوز بر این نفاق داخلی که مانع اصلی عبور از دوره گذار است، غلبه نکرده است. نتیجه اینکه به نظر راه‌حلی که بتواند منافع همه گروه‌های رقیب را در برگیرد، غیرواقع‌بینانه است چراکه هیچ‌یک از بازیگران مایل نیستند که به سمت آشتی با یکدیگر حرکت کنند (The Ssismun, 2017: 33).

در سال ۲۰۱۵ مذاکراتی به پشتیبانی سازمان ملل آغاز شد که منجر به تقسیم قدرت میان گروه‌های درگیر شد. این مذاکرات شامل نمایندگان ۲ پارلمان رقیب مستقر در طبرق (مجلس نمایندگان) و طرابلس (کنگره ملی سراسری) و شرکت‌کنندگان مستقل بود. این مذاکرات در نهایت منجر به امضای «توافق سیاسی لیبی»^۱ مشهور به توافق‌نامه «الصخیرات» در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۵ گردید (Mezran, and Varvelli, 2017: 3)؛ و در اواخر مارس ۲۰۱۶ دولت وفاق ملی در طرابلس تشکیل شد.

«دولت وحدت ملی» توسط سازمان ملل پشتیبانی می‌شود؛ «دولت موقت» نیز توسط پارلمان طبرق حامی ژنرال «خلیفه حفتر» در شهر البیضا در شرق این کشور تشکیل شده است؛ هیچ‌یک از این دو دولت از مشروعیت کافی برای کسب قدرت برخوردار نیستند. دولت وحدت ملی به نخست‌وزیری «السراج» در طرابلس قرار دارد که از شورای ریاستی و شورای عالی دولتی تشکیل شده است. شورای ریاستی، وزارتخانه‌ها و تشکیلات حکومتی را در طرابلس در اختیار دارد و شورای دولتی نیز یک کمیته مشورتی است. در چارچوب موافقت‌نامه صلح ۲۰۱۵ تصمیم گرفته شد که هر دو شورای دولتی و مجلس نمایندگان به‌عنوان یک نهاد قانون‌گذاری حکومت بشمار روند؛ اما مجلس نمایندگان کابینه معرفی شده توسط شورای ریاستی را قبول نکرد و همچنان بر حکومت خود در شرق لیبی ادامه داد (Aljazeera, 30/05/2017). شورای ریاستی و دولت وفاق ملی که بعد از توافق سیاسی لیبی در سال ۲۰۱۵ شکل گرفته‌اند، در برخی قانونی گرفتار شده‌اند و منتظر شناسایی به‌عنوان یک دولت مشروع از سوی مجلس نمایندگان هستند. مجلس نمایندگان نیز خود دچار شکاف شده است؛ به‌گونه‌ای که بخشی از آن یک نهاد مرکزی در طرابلس تأسیس کرده است، درحالی‌که اقلیتی از آن‌ها در طبرق باقی مانده‌اند و اخیراً دستور داده‌اند تا مذاکرات سیاسی به رهبری سازمان ملل به‌طور موقت متوقف شود. هنوز تشریح وضعیت لیبی در قالب جنگ بین شورای ریاستی/ دولت وفاق ملی و مجلس نمایندگان ساده‌سازی موضوع است. این دو جناح خودشان دچار شکاف شده‌اند به‌طوری‌که هیچ‌یک از آن‌ها قادر به غلبه بر دیگری نیستند. در سال گذشته، شورای ریاستی تلاش‌های متعددی را برای انجام مذاکره با ژنرال «حفتر» آغاز کرد. این مذاکرات مبتنی بر این شرایط بود که حفتر نقشی را در چارچوب دولت موردحمایت سازمان ملل بپذیرد و آرزوهای بلندپروازانه خود را

¹ . Libyan Political Agreement

محدود نماید. امروزه مذاکرات بین دو دولت به‌ویژه با میانجیگری برخی کشورها همچون پاریس و مغرب ادامه دارد و طرفین به دنبال اعمال برخی تعدیلات در موافقت‌نامه «الصخیرات» هستند. مهم‌ترین چالش‌های فضای جدید در دورهٔ پسااقتدارگرا که مانع از شکل‌گیری دولت مقتدر و سامان سیاسی مشروع و باثبات در فضای داخلی لیبی در فضای پسااقتداری شده‌اند را می‌توان این‌گونه برشمرد:

۱. فرهنگ اقتدارگرایی قبیله – محور

لیبی از ۱۴۰ قبیله و ۲۰۰۰ طایفه تشکیل شده است که از این میان، ۵۰ قبیلهٔ آن حضور انکارناپذیری در صحنهٔ سیاسی لیبی داشته‌اند. نظام حکومتی قذافی بر اساس ائتلاف ۳ قبیله بزرگ شامل «القذافیه» به‌عنوان قبیلهٔ قذافی، «الورفله» و «المقارحه» بناشده و طی ۴ دههٔ گذشته بقیهٔ قبایل به‌نوعی دنباله‌روی این ائتلاف اصلی بوده‌اند. قبیلهٔ پایه – محوری ساختار اجتماعی لیبی است؛ قبیله در طول تاریخ مدرن لیبی، نقش محوری را در بسیج مردم لیبی علیه استعمار و نیز در تعامل با حکومت‌ها ایفا کرده است. افزون بر این، در برهه‌هایی از تاریخ لیبی که دولت مرکزی قدرتمندی وجود نداشت، قبیله، نه تنها در نقش دولت ظاهر شده بلکه وظیفهٔ تأمین امنیت اعضای خود را بر عهده می‌گرفت. این وضعیت در دورهٔ قذافی تحکیم شد. قذافی برخلاف دیگر دولت‌های اقتدارگرایی منطقه، عمدتاً تلاشی در جهت محدود کردن وفاداری قبیله‌ای و تقویت وفاداری به دولت و هویت ملی به عمل نیاورد (یزدانی و قاسمی، ۱۳۹۵: ۷۹)؛ بنابراین ساختار اجتماعی لیبی، ساختاری قبیله‌ای است. مهم‌ترین ویژگی چنین ساختاری، عدم تمرکزگرایی است که همین امر به نوبهٔ خود موجب شده است ایدهٔ تشکیل دولت قدرتمند و مورد اعتماد مرکزی با استقبال قبایل لیبی مواجه نشود. آنچه عدم تمرکزگرایی در قبایل لیبی را تقویت کرده است، وجود اختلاف بین قبایل، بی‌اعتمادی به دولت مرکزی به‌ویژه در حوزهٔ تأمین امنیت و بیم از به حاشیه رانده شدن است که در دورهٔ زمامداری قذافی در برابر برخی از قبایل از جمله قبایل شرق در این کشور اعمال شد (قاسمی، ۱۳۹۶: ۷۲). لذا، قبیله‌گرایی را در شکل‌گیری سامان سیاسی نوین لیبی باید عنصری واگرا دانست که از یک‌طرف اشتراک اجتماع را به شدت کاهش می‌دهد؛ چراکه قبایل به‌جای اهمیت دادن به منافع ملی و مسائل فرا قبیله‌ای، به منافع درون قبیله‌ای بیشتر توجه را دارند و از طرف دیگر به دلیل نیروی گریز از مرکز، از انسجام سامان سیاسی به شدت می‌کاهدند (Mokhefi, 2011: 11)؛ و این زمینه را برای تضعیف جامعه مدنی، تقویت اقتدارگرایی و افزایش شکاف قومیتی فراهم می‌کند.

۲. رشد و گسترش تروریسم نو سلفی

بر اساس گزارش مرکز خاورمیانه‌ای کارنگی که در مارس ۲۰۱۵ منتشر شد «عامل شکل‌گیری داعش در لیبی، بازگشت تروریست‌ها از سوریه به دُرنه در سال ۲۰۱۴ بود». بعدها این گروه وابسته به داعش تلاش کردند تا حوزهٔ نفوذ خود را به سمت غرب لیبی گسترش دهند. لذا، در مارس ۲۰۱۵، داعش شهر ساحلی سیرت را تسخیر کرد. این شهر، تقریباً در ۴۵۰ کیلومتری طرابلس قرار دارد، جایی که محل زندگی قبیلهٔ قذافی، رهبر سابق لیبی، بوده است. از زمان شورش‌های ۲۰۱۱، ساکنین شهر «سرت» روی آرامش ندیدند و بسیاری از اعضای قبیله قذافی کشته شدند و خانه‌های آن‌ها توسط شورشیان غارت شد. شهر سرت اولین سنگر خارج از سوریه و عراق است که داعش توانست کنترل آن را به دست

گیرد. سرت همچنین به لحاظ جغرافیایی مهم است؛ چرا که بندری است که به راحتی می‌توان از آن به جنوب اروپا در طول دریای مدیترانه دسترسی داشت (Aljazeera, 30/05/2017). در مه ۲۰۱۶ نیروهای طرفدار حکومت وحدت ملی مبارزه‌ای علیه داعش تحت عملیات «البنیان المرصوص» در این منطقه آغاز کردند. چند ماه بعد ایالت متحده حملات هوایی متعددی را انجام داد. نهایتاً هفت ماه بعد از شروع جنگ و کشته شدن صدها نفر، شهر سرت توسط نیروهای حکومت وحدت ملی در دسامبر ۲۰۱۶ باز پس گرفته شد (Aljazeera, 30/05/2017). امروزه حضور این گروه در لیبی محدود به برخی مناطق بیابانی در جنوب و اطراف کشور است (The Geneva Academy, 2017). برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که برخی از اعضای داعش از سرت به سمت مناطق جنوب غربی لیبی جایی که سایر شبه‌نظامیان اسلام‌گرا حضور فعالی دارند، فرار کرده‌اند (Blanchard, October 2, 2017).

در لیبی پساقذافی به سبب فقدان دولت مرکزی مقتدر عرصه برای عرض‌اندام گروه‌های تروریستی در این کشور فراهم شده است (Chivvis & Martini, 2014: 9). در حکومت پساقذافی، تسلط بر مناطق شمالی و مناطق بیابانی این کشور توسط گروه‌های تروریستی و استفاده از آن به‌عنوان پایگاهی برای تهدید و حمله به اتحادیه اروپا و تلاش برای دستیابی به چاه‌های نفت، انبارهای اسلحه و مهمات این کشور، از جمله نگرانی‌هایی است که می‌تواند در نتیجه بحران داخلی رخ نماید و یکسری چالش‌های امنیتی را برای جامعه بین‌المللی ایجاد کند (Gambhir, 2015: 2).

به‌طور کلی، جامعه کنونی لیبی نیز بنا به دلایلی همچون دخالت شبه‌نظامیان وابسته به قبایل در سیاست و گسترش خشونت در آن، تبدیل به یک جامعه «پروتترین» یا سیاست زده شده است. جامعه‌ای که در آن چالش امنیت، شدیدترین چالش و امنیت به‌عنوان فوری‌ترین نیاز برشمرده می‌شود (سردارنیا و عمویی، ۱۳۹۳: ۱۸۳).

۳. بحران جامعه مدنی

ابتدا در خصوص کارکردهای مثبت وجود جامعه مدنی در سطح اجتماع می‌توان چنین ابراز داشت که این پدیده کمتر ناشناخته اولاً التهاب‌های اجتماعی و سیاسی جامعه را کاهش می‌دهد ثانیاً میزان حق و حقوق و رابطه هر شهروند نسبت به دولت خود را تعیین و متعاقباً وظیفه دولت در مورد شهروندان را معین می‌کند. ثالثاً تشکیل جامعه مدنی در حوزه روابط اجتماعی و سیاسی موجب آن می‌شود تا مردم از طریق نهادهای مدنی با دولت ارتباط داشته باشند. همین واسطه سبب حذف «خشونت»^۱ در روابط دو طرف خواهد بود؛ یعنی مردم از طریق احزاب، رسانه‌ها، نهادهای مردمی، سازمان‌های غیردولتی، مراکز فنی - اقتصادی با دولت ارتباط مستمر داشته و دولت نیز به تقویت این نهادها کمک خواهد کرد (سعادت و دیگران، ۱۳۹۱: ۷۷).

ازلحاظ تاریخی و از نظر اجتماعی، جامعه لیبی با هرگونه نهاد مدنی کاملاً بیگانه است. به همین دلیل قذافی پس از به قدرت رسیدن در سال ۱۹۶۹، در نابودی جامعه مدنی به‌طور نظام‌مند و قدرتمند ظاهر شد (Tempelhof & Omar, 2012: 5). قذافی از آنجایی که از تبدیل شدن اتحادیه‌ها به احزاب مخالف دولت واهمه داشت، تنها به تعداد

^۱. Violence

معدودی از سازمان‌ها با ماهیت نهادهای مدنی از جمله سازمان فنی و حرفه‌ای^۱ یا سازمان صلیب سرخ، آن‌هم تحت کنترل دولت اجازه فعالیت می‌داد (John, 2011: 6).

تأثیر بحران دولت در لیبی بر امنیت اروپا

شکل‌گیری فضای خلأ قدرت در لیبی در نتیجه بحران دولت، از دو جهت پتانسیل ناامنی در اروپا را افزایش داده است:

۱. گسترش مهاجرت به اروپا

اصطلاح مهاجرت دو گروه بزرگ از مهاجران، یعنی مهاجرین پناهجو و مهاجرین اقتصادی را شامل می‌شود. مهاجرین اقتصادی انتخاب می‌کنند که آیا مهاجرت کنند یا خیر؛ اما مهاجرین پناهجو از لحاظ شرایط سیاسی، مجبور به ترک کشور اصلی خود می‌شوند. در اینجا منظور از بحران مهاجرت، مهاجرت از نوع دوم یعنی پناهجویی است (Grignis, 2016: 45).

از جمله چالش‌های ژرفی که طی سال‌های اخیر سران اتحادیه اروپا را درگیر خودکرده است موضوع مهاجرت و پناهندگی به‌ویژه از کشورهای چون سوریه، افغانستان، لیبی و آفریقای غربی است. بسیاری از مهاجرینی که از طریق جنوب غربی و جنوب شرقی لیبی به دنبال رسیدن به سواحل اروپا هستند، ملیتی آفریقایی دارند (Blanchard, 2017: 16).

بحران داخلی و دولت ضعیف در لیبی، این کشور را به‌ویژه از اواسط سال ۲۰۱۴ به یکی از بزرگ‌ترین مجرای انتقال مهاجرین غیرلیبیایی تبدیل کرده است که به دنبال رسیدن به اروپا هستند. به‌طورکلی باید توجه داشت که جنگ داخلی لیبی، بحران فزاینده پناهندگی را در اروپا بدتر کرده است. به سبب نزدیکی جغرافیایی لیبی و همچنین به‌موجب جنگ داخلی و ناتوانی دولت لیبی در ایجاد امنیت در مرزهایش، این کشور بحران‌زده به عمومی‌ترین نقطه عزیمت برای مهاجرین آفریقای غربی و شرقی تبدیل شده است که تلاش می‌کنند خود را به اروپا برسانند (Gartenstein and Barr, 2015: 44).

سازمان بین‌المللی مهاجرت^۲ گفت که مهاجرین آفریقایی در سبها^۳، یکی از مراکز قاچاق لیبی، فروخته می‌شوند. رئیس سازمان بین‌المللی مهاجرت گفت که مهاجرین بین ۲۰۰ تا ۵۰۰ دلار فروخته می‌شوند. او گفت که «مهاجرین در بازار به‌عنوان یک کالا فروخته می‌شوند» از نظر وی «فروختن انسان‌ها در میان قاچاقچیان تبدیل به یک روند شده است» (Aljazeera, 30/05/2017).

باتوجه به تقسیمات سیاسی کشور و اقتصاد در حال فروپاشی لیبی، هیچ تأسیسات و گشت‌های صحرایی برای جلوگیری از رشد شبکه‌های قاچاق وجود ندارد. حتی گارد ساحلی لیبی بودجه‌ای برای نظارت بر حمل‌ونقل دریایی ندارد. مجاورت لیبی با جزیره ایتالیایی «لمپدوسا» و نزدیکی به مرزهای اتحادیه اروپا، جریان مهاجرت به سمت اروپا را

^۱. Boy Scouts

^۲. International Organization for Migration (IOM)

^۳. Sabha

از طریق ساحل لیبی افزایش داده است. در سال ۲۰۱۷ حدود ۲۶ هزار مهاجر به سمت ایتالیا حرکت کردند که حدود ۷ هزار بیش از سال ۲۰۱۶ بوده است (Aljazeera, 30/05/2017).

دروازه اصلی ورود به ایتالیا از لیبی، منطقه فزان^۱ در جنوب غربی لیبی است. در سال ۲۰۱۶ بیش از ۱۶۰ هزار لیبیایی از این مسیر وارد اروپا شدند. کشورهای اروپایی به ویژه ایتالیا امیدوارند که با ثبات منطقه مزبور و احیای اقتصاد آن سیل مهاجرت را کنترل کنند. در میان کشورهای اروپایی ایتالیا، علاقه مند است که نقش فعال تری را در منطقه فزان ایفا کند. از اوایل سال ۲۰۱۷، یک سازمان غیردولتی نزدیک به دولت جلساتی را با سهامداران جنوب لیبی برای یک طرح بلندپروازانه تشکیل داده است که تحت عنوان «یک برنامه برای صلح، ثبات و امنیت در جنوب لیبی» نام دارد. هدف از آن مقابله با «مهاجرت غیرقانونی، قاچاق و تروریسم» است. این برنامه شامل طرح‌های سازش قبیله‌ای، ایجاد مراکز بهداشتی و فرهنگی، یک برنامه اقتصادی برای ایجاد مراکز صنعتی و واحدهای پلیس ضد قاچاق است.

۲. گسترش تروریسم و امنیت اروپا

یکی از مسائلی که لیبی را مستعد حضور گروه‌های تروریستی می‌کند، وضعیت ژئوپلیتیکی این کشور از لحاظ وسعت زیاد و مناطق گسترده بیابانی و ساختار قبیله‌ای آن است. این گروه‌های تروریستی که در ۳۵۰ کیلومتری ایتالیا قرار دارند، تبدیل به معضلی امنیتی برای اروپا شده‌اند. این روند تحولات، بحران لیبی را بیش از پیش پیچیده تر کرده است. تشدید درگیری‌ها در مناطق مختلف لیبی موجب تضعیف مستمر نهادهای دولتی و گسترش مهاجرت و پناهندگان از مرزهای بدون کنترل این کشور به اروپا و کشورهای دیگر شده است. با این شرایط، لیبی یکی از مهم‌ترین کشورهای است که باتوجه به ویژگی‌های قومی - ژئوپلیتیکی خود در دامن گروه‌های سلفی - تکفیری افتاده است. در فوریه ۲۰۱۶ مقامات ارشد اطلاعاتی ایالات متحده، سازمان داعش در لیبی را به عنوان توسعه یافته‌ترین شاخه این گروه تروریستی در خارج از سوریه و عراق اعلام کردند.

البته در پاسخ به این پرسش که چرا تکفیری‌های جهادی داعش، لیبی را به عنوان پایگاه عزیمت به اروپا برگزیده‌اند باید گفت که خصایص ژئوپلیتیک و ژئوگنومیک لیبی سبب شده است تا این گروه تروریستی - تکفیری بتواند اهداف طراحی شده خود را نسبت به اروپا با سهولت بیشتری دنبال نماید. لیبی باتوجه به داشتن ساحلی در حدود ۱۸۶ کیلومتر در کناره جنوبی دریای مدیترانه و استقرار این کشور در قسمت شمالی آفریقا و نزدیکی به قاره اروپا از اهمیت خاصی برخوردار است. در شرایط کنونی لیبی، خصایص ژئوپلیتیک لیبی به نوبه خود تهدید بالقوه‌ای برای امنیت اروپا بشمار می‌آید. آمار سال ۲۰۱۵ نشان می‌دهد که در نتیجه بحران لیبی، حدود ۵۰۰ هزار مهاجر و پناهنده از راه دریا قصد فرار از لیبی به سمت اروپا را داشته‌اند (Toaldo, 2015: 3). مهاجرت برخی از نو سلفی‌های لیبی به اروپا، پتانسیل ناامنی در اروپا را افزایش داده است. به این دلیل بسیاری از تصمیم‌گیرندگان و مقامات اروپایی به پدیده مهاجرت به عنوان یک تهدید امنیتی جدی برای اروپا نگاه می‌کنند. امروزه کشورهای اروپایی به ویژه ایتالیا، فرانسه، آلمان و انگلیس نگرانی‌های امنیتی جدی را در رابطه با حضور و گسترش گروه‌های تکفیری - تروریستی در لیبی دارند.

¹. Fezzan

هرچند داعش در «سرت» شکست خورد اما شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد آن‌ها در حال سازمان‌دهی مجدد خود در جنوب لیبی هستند. بمب‌گذاری منچستر در ۲۲ می ۲۰۱۷، نشان داد که یک تغییر تاکتیکی می‌تواند در رفتار داعش ایجاد شود و آن استفاده از سرزمین لیبی به‌ویژه بیابان‌های جنوب این کشور برای انجام حملات «رعدآسا»^۱ در غرب است و در همان حال برای عضوگیری بیشتر در لیبی تلاش کنند. داعش مسئولیت این حمله را بر عهده گرفت که توسط سلمان عابدی، یک انگلیسی‌لیبی تبار انجام شد که مدت زیادی را در لیبی گذرانده بود و وصل به شبکه تروریستی داعش در لیبی بود (Pack, Smith and Mezran, 2017: 2). در رابطه با حضور و گسترش داعش در لیبی دو عامل تأثیر بسیاری داشته است:

الف. خلأ قدرت: ظهور داعش در لیبی در اثر یک مشکل بزرگ و آن شکل‌گیری یک دولت ضعیف در این کشور بوده است. اکنون وجود نداشتن یک دولت قوی در این کشور و تقسیم حاکمیت میان جناح‌های درگیر، اجازه داده است تا دانش از لیبی به‌عنوان یک مرکز آموزشی و ارتباطی برای طرح و اجرای نقشه‌های تروریستی خود در خارج از کشور همچون عملیات تروریستی منچستر در می ۲۰۱۷، استفاده نماید.

ب. به حاشیه رانده شدن: از جمله ریشه‌های ظهور داعش در لیبی پساقذافی، به حاشیه رانده شدن بسیاری از گروه‌ها و قبایل محلی، از ساختار قدرت و ترتیبات اجتماعی جامعه بوده است. براین اساس، داعش توانست نهایت بهره‌برداری را از گروه‌های ناراضی و حاشیه‌ای کند و از درون آن‌ها اقدام به عضوگیری کند. هم طرفداران قذافی و هم عناصر بسیار رادیکالی از شبه‌نظامیان که از شورش‌ها علیه قذافی حمایت کردند، در مقابل تقاضای داعش آسیب‌پذیر بودند (Pack, Smith and Mezran, 2017:1).

حاکمیت دولت به‌ویژه در جنوب لیبی ضعیف است. نیروهای دولتی توانایی اعمال کنترل کامل بر کشور را ندارند. همین موضوع این منطقه را تبدیل به بهشت امنی برای گروه‌های تروریستی و قاچاقچیان جهت ترانزیت قاچاق در همسایگی نیجر و الجزایر کرده است (Blanchard, October 2, 2017). با شکست کامل داعش در عراق و سوریه به‌ویژه با از دست‌دان آخرین مقر خود در بوکمال سوریه، این گروه تروریستی - تکفیری به‌شدت در تنگنای جغرافیای قرار گرفته است. لذا امروزه خطر گسترش آن‌ها به لیبی که فاقد یک دولت مقتدر و فراگیر است، بیش‌ازپیش جدی‌تر شده است.

در خصوص امنیتی شدن فضای عمومی اتحادیه اروپا، جریان‌های بنیادگرای سلفی - تکفیری توانسته‌اند در پرتو اندیشه‌های افراطی خود با بخشی از جوانان مسلمان اروپایی که احساس حاشیه‌ای شدن می‌کردند، هویت مقاومت را تقویت و آنان را به خود جذب کنند؛ بنابراین آن‌ها ابتدا در کشورهای بحران‌زده واقع در آوردگاه راهبردی آسیای غربی و شمال آفریقا و سپس در خود کشورهای اروپایی، فعالانه اندیشه خود را عملی می‌کنند. گرچه آمار دقیقی در خصوص شمار تکفیری‌های اروپایی حاضر در کشورهای بحران‌زده آسیای غربی و شمال آفریقا وجود ندارد اما بر اساس آمار سال

^۱ . "shock and awe" attacks

۲۰۱۵ تخمین زده شده است که بین ۴ تا ۵ هزار نفر از اتباع کشورهای اروپای غربی در سوریه، عراق و لیبی حضور یافته‌اند. بر اساس آمار منتشر شده از سوی مرکز بین‌المللی ضد تروریسم^۱ بیشترین تعداد این افراد از فرانسه، آلمان و بریتانیا بوده‌اند (پورحسن و سیفی، ۱۳۹۶: ۱۸۰). این شکل از تجهیز و ارسال نیروهای جهادی سبب شده است تا با پایان بحران ساختگی کشورهای غربی و مطرح شدن بازگشت سلفیون تکفیری آموزش‌دیده اروپایی به کشورهای خود، قاره سبز به‌تازگی با چالش‌های نوین امنیتی روبه‌رو گردد که یا در گذشته اصلاً وجود نداشته یا به‌شدت و حدت کنونی نبوده است. برای این بود که در ۲۲ مارچ ۲۰۱۶ بروکسل بلژیک، ۱۱ ژوئیه ۲۰۱۶ نیس فرانسه، ۱۹ دسامبر ۲۰۱۶ بازار برلین، ۲۲ مارچ ۲۰۱۷ وست‌مینستر لندن، ۷ آوریل ۲۰۱۷ استکهلم هلند و ۲۲ می ۲۰۱۷ منچستر انگلیس آماج تکفیر جهادیون افراط‌گرا قرار گرفتند و بار دیگر این نهیب بزرگ را به غرب وارد کرد که تروریسم، خشونت و افراط‌گرایی حدود مرزی نمی‌شناسد.

به‌طور کلی، اروپا نگرانی‌های متعددی در خصوص گسترش بحران در لیبی دارد. به‌ویژه اینکه این وضعیت بحرانی می‌تواند مستقیماً منجر به حملات تروریستی در این قاره شود. اروپایی‌ها نگرانی‌های زیادی برای امنیت کمپانی‌های اروپایی که در لیبی و کشورهای همسایه کار می‌کنند، دارند. کشورهای متعدد اروپایی شهروندان خود از جمله متخصصین خود را از لیبی خارج کرده‌اند. تأسیساتی که توسط کمپانی‌های اروپایی اداره می‌شوند، همچون مجتمع نفت و گاز ملیتاج در مقابل حملات تروریستی آسیب‌پذیر هستند (Gartenstein & Barr, 2015: 42 – 43). برای این بود که رهبران ۵ کشور آفریقایی مالی، موریتانی، بوركینافاسو، نیجر و چاد در پاییز ۲۰۱۷ در همراهی با «ایمانوئل ماکرون» رئیس‌جمهوری فرانسه، ارتش چندملیتی جدیدی را برای مقابله با افراط‌گرایی و تروریسم در منطقه ساحل آفریقا تشکیل دادند. مجموع عوامل فوق از آنجا نشئت گرفته است که طی سالیان اخیر بحران مهاجرت و وحشت از عملیات تروریستی بر اروپا سایه افکنده است. هرچند اروپا از آغاز هزاره جدید با این مسئله درگیر بوده است اما در پرتو تحولات سالیان اخیر در شمال آفریقا و آسیای غربی این مسئله ابعاد گسترده‌تری به خود گرفته و مستقیماً شهروندان اروپایی را هدف قرار داده است. بحران تروریسم در اروپا یکی از پیچیده‌ترین بحران‌هایی است که امروزه این اتحادیه با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند. منابع این بحران بیشتر در بیرون از خاک اروپا و به‌ویژه در کشورهای دچار جنگ و بحران قرار دارد. وجه اشتراک عملیات‌های تروریستی در خاک اروپا این بوده است که گروه تروریستی – تکفیری داعش مسئولیت آن‌ها را برعهده گرفته است.

نتیجه‌گیری

امنیت اروپا به‌طور اجتناب‌ناپذیری به ثبات و امنیت در شمال آفریقا گره خورده است. امروزه، بی‌ثباتی و بحران دولت در لیبی بستر مناسبی را برای حضور و گسترش داعش و گروه‌های تروریستی در این کشور فراهم کرده است که به‌نوبه خود می‌تواند زمینه‌ساز ناامنی‌های آتی در اروپا شود؛ بنابراین، کشورهای اروپایی به‌ویژه ایتالیا و فرانسه با حساسیت و نگرانی‌های فراوانی نظاره‌گر تحولات دولت در لیبی هستند. اخبار تأیید نشده مبنی بر فرار ابوبکر بغدادی به لیبی بعد از

¹. The International Center for Counter Terrorism (ICCT)

شکست داعش در آخرین پناهگاهش در منطقه باغوز سوریه، بیش‌ازپیش به این نگرانی‌ها افزوده است. بحران دولت در لیبی و جود فضای خلأ قدرت در این کشور می‌تواند لیبی را به پناهگاه امنی برای تروریست‌ها و پایگاهی برای صدور آن‌ها به اروپا تبدیل نماید. شکست دولت سبب کاهش مشروعیت دولت لیبی شده است و این مسئله سبب شده تا به فرآیند گسترش داعش در این کشور کمک نماید. به‌ویژه اینکه بعد از حمله ژنرال حفتر به طرابلس در آوریل امسال و گسترش جنگ داخلی در لیبی بین نیروهای دولت وفاق ملی و نیروهای ژنرال حفتر که از حمایت مجلس نمایندگان طبرق و برخی قدرت‌های منطقه‌ای برخوردار است، کانون تمرکز را از داعش به سمت دو جناح رقیب سوق داده است و این فرصت دیگری را در اختیار داعش برای قدرت‌یابی مجدد و خروج از تنگنای ژئوپلیتیکی بعد از شکست در عراق و سوریه، داده است. بی‌ثباتی لیبی پیامدهای خطرناک منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد داشت. به همین خاطر است که امروزه بحران لیبی فراتر از مرزهای این کشور و جناح‌بندی‌ها و منازعات قبیله‌ای داخلی گسترش پیدا کرده است. اگر اوضاع سیاسی لیبی بر همین منوال ادامه یابد و یک دولت متمرکز نتواند کنترل امور را در دست بگیرد فضا برای رشد و گسترش گروه‌های تکفیری - تروریستی، بیش‌ازپیش مهیا خواهد شد. به همین خاطر، کشورهای اروپایی و منطقه‌ای نگرانی‌های امنیتی جدی در رابطه با بی‌ثباتی سیاسی لیبی دارند. درواقع، امنیت اروپا و شمال آفریقا تقسیم‌ناپذیر است. لذا، مادامی‌که بحران سیاسی لیبی لاینحل باقی بماند و بازیگران سیاسی داخلی نتوانند به یک تفاهم سیاسی در رابطه با شکل‌گیری یک دولت مرکزی قدرتمند دست یابند، امنیت اروپا نیز متأثر از فضای بی‌ثبات لیبی خواهد بود.

فهرست منابع

- احمدیان، قدرت و احد نوری اصل. (۱۳۹۴). «تحولات سوریه؛ دولت درمانده و بازیگران خارجی». فصلنامه مطالعات سیاسی. سال هشتم، شماره ۳۰، زمستان.
- بشیریه، حسین. ۱۳۹۵. آموزش دانش سیاسی، تهران: نگاه معاصر،
- بیلینس، جان. جهانی شدن سیاست، ۱۳۹۲. ترجمه جمعی از نویسندگان، تهران: ابرار معاصر.
- پورحسن، ناصر؛ سیفی، عبدالمجید. ۱۳۹۶ «گسترش نوسلفی‌گری در اروپا؛ زمینه‌های هویتی و پیامدهای امنیتی»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۲۰.
- رضایی، مهدی؛ تهامی، محمدجواد. ۱۳۹۶ «بررسی پیامدهای امنیتی منطقه‌ای دولت‌های شکننده، بررسی موردی عراق»، مجله سیاست دفاعی، سال بیست و پنجم، شماره ۹۹.
- سردارنیا، خلیل اله؛ عمویی، رضا. ۱۳۹۳. «تحلیل انقلاب لیبی و چالش‌های فراروی حکومت پسااقتدارگرا از منظر بحران هویت و آمریت»، فصلنامه روابط خارجی، سال ششم، شماره ۱.
- سعادت، علی؛ بختیاری، ارشد؛ میکائیلی، مهدی، ۱۳۹۱ «چالش‌های دولت - ملت‌سازی در آسیای مرکزی»، فصلنامه رهنامه سیاست‌گذاری، سال سوم.
- طالبی‌آرانی، روح‌اله؛ گویلی کیلانه، جمال. ۱۳۹۵. «جهانی‌شدن عملکرد سلفی‌گری در پرتو گسترش فناوری ارتباطات؛ مطالعه موردی داعش»، سیاست جهانی، دوره پنجم، شماره ۴.
- قاسمی، مصطفی. ۱۳۹۶. «آینده سیاسی لیبی با تأکید بر ائتلاف ژنرال حفتر و سیسی»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال هجدهم، شماره ۱، پیاپی ۶۹.
- موسوی‌نیا، سید رضا. ۱۳۹۰ «خاورمیانه و چالش دولت‌های ورشکسته از دیدگاه امنیت بین‌الملل»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۸۳.
- یزدان‌فام، محمود. ۱۳۸۸ «دولت شکننده و امنیت انسانی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دوازدهم، شماره چهارم، ۵.
- یزدانی، عنایت‌الله؛ قاسمی، مصطفی. ۱۳۹۵ «تحلیلی بر دولت ورشکسته در لیبی»، فصلنامه دولت پژوهی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۶.

- Chivvis, C. S., & Martini, J. (2014). *Libya after Qaddafi: lessons and implications for the future*. Rand Corporation.
- Crisis Group (2017), “How Libya’s Fezzan Became Europe’s New Border”, available at: <https://www.crisisgroup.org/middle-east-north-africa/north-africa/libya/179-how-libyas-fezzan-became-europes-new-border> (accessed June 17,2018)
- Gambhir, H. (2015). ISIS Global Intelligence Summary. *Institute for the Study of War, 1*.
- Gartenstein-Ross, D., & Barr, N. (2015). Dignity and dawn: Libya’s escalating civil war. *ICCT Research Paper” February*.
- Grigonis, S. (2016). EU in the face of migrant crisis: Reasons for ineffective human rights protection. *International Comparative Jurisprudence, 2*(2), 93-98.
- John, B., St. (2011). “Libyan Myths & Realities”, *Institute for Strategy, Royal Danish Defense College*, available at: http://www.fak.dk/publikationer/Documents/Libyan_Myths_and_Realities.pdf
- Arraf, S. (2017). Libya: A Short Guide on the Conflict.“. *The War Report 2017*.
- Abdessadok, Z. (2017). Libya today: from Arab spring to failed state. *Al Jazeera*.
- Martin, B. (2012). “Weak &Failing States & National Security”, Angelo State University, https://www.academia.edu/1561945/What_are_failed_states_and_why_do_they_fail_Is_seizing_political_control_of_failed_states_a_viable_remedy_for_containing_threats_coming_from_failed_states
- Mezran, K., & Arturo, V. (2017). “Foreign Actors in Libya’s Crisis”, Atlantic Council, available at: http://www.ispionline.it/it/EBook/LIBIA_2017/LIBIA_WEB.DEF.pdf (accessed 06 06,2019)
- Mezran, K., & Varvelli, A. (2017). *Foreign actors in Libya's crisis*. Ledizioni.<https://css.ethz.ch/en/services/digital-library/articles/article.html/9e12fed5-3e12-4a02-ad1c-80dfa2729e40/pdf> , (accessed 06/07/2019)
- Mokhefi, M. (2011). Gaddafi’s regime in relation to the Libyan tribes. *Al Jazeera Centre for Studies, 20*.
- Pack, J., Smith, R., & Mezran, K. (2017). *Origins and Evolution of ISIS in Libya*. Atlantic Council..available at :<http://www.publications.atlanticcouncil.org/wp-content/uploads/2017/06/The-Origins-and-Evolution-of-ISIS-in-Libya-web-0619.pdf> (accessed Oct 11,2017)
- Patrick, S. (2007). “Failed” states and global security: Empirical questions and policy dilemmas. *International Studies Review, 9*(4), 644-662.
- Reily, D., (2008). “The Two – Level Game of Failing States: Internal & External Sources of State Failure”, *The Journal of Conflict Studies, 28*, available at: <https://journals.lib.unb.ca/index.php/JCS/article/viewFile/11244/16300> (accessed 30/06/2019)
- Simons, A., & Tucker, D. (2007). The misleading problem of failed states: a ‘socio-geography’ of terrorism in the post-9/11 era. *Third World Quarterly, 28*(2), 387-401.
- Ssismun (2017), “Topic Area: The situation in Liby”. available at: <http://www.thessismun.org/wp-content/uploads/2017/01/SECURITY-COUNCIL-2017.pdf> (accessed Nov 10,2017)
- Tarkowski Tempelhof, S., & Omar, M. (2012). Stakeholders of Libya’s February 17 revolution. *US Institute for Peace*.
- Toaldo, M. (2015). *Migrations through and from Libya: a Mediterranean challenge*. Istituto Affari Internazionali.
- Waldhauser, T. (2017). “US troops to stay in Libya to monitor Islamic State”. **Stripes**, March 24,

available at: <https://www.stripes.com/news/us-troops-to-stay-in-libya-to-monitor-islamic-state-africom-chief-says-1.460497>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

State Crisis in Libya and Security of the Europe

Rashid Recabian, Mahdi Mohammad Nia, Mehrdad Alepour

Received:2019.2.25

Accepted:2019.7.20

Abstract

Since the fall of Qaddafi, no government has ever able to establish a unified sovereignty in Libya. So today, Libya has two independent states: The National Unity Government which is being supported by the United Nations and the interim government formed by the parliament of Tobruk, a supporter of the general, Khalifa Haftar in al-Bayda. In the post-Gaddafi era, it was hoped that the new government could lead Libya toward democracy, but, due to the division of sovereignty and political conflict between the seekers of power, a crisis of authority and insecurities caused by violent tribal activists and Salafists led the post-authoritarian state turned out to be regarded as a failed state. With the intensification of conflicts between various political groups, including Haftar and the National Unity Government in Tripoli, the possibility of state-building in this country has been confused. The main question is that "How does the government's crisis in Libya's new political conditions affect the security of European countries?" The hypothesis of the article is that "the expansion of civil war and chaos during post-Gaddafi era has led Libya, as a failed state, to be a base for the migration of terrorist groups and human trafficking into Europe".

Keywords: Immigration, Libya, security, EU, international terrorism.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی